

شرق روزنامه

نگاه

مصر؛ آتش زیر خاکستر

افزایش بهای سوخت، تقریباً بنزین روی آتشی ریخت که از مدت‌ها پیش مصری‌ها به‌دلیل گرانی فاحش بهای کالاهای اساسی با آن دست‌به‌گریبان بودند و موافقان و مخالفان دولت به‌طور یکسان از آن کلاه داشتند. ۳۰ ژوئن مردم مصر به جای اینکه مانند سال‌های گذشته به خیابان‌ها بریزند و خشم خودشان را به برکناری «محمد مرسی»، رئیس‌جمهور وابسته به اخوان المسلمین، فریاد بزنند، بیشتر به شبکه‌های مجازی پناه بردند تا سرخوردگی و خشم خودشان را از تصمیم‌های اخیر دولت بیان کنند که نویددهنده روزهای سخت‌تری است. تازه‌ترین تغییر، بهای سوخت را به میزان صد درصد افزایش داد. این تصمیم در چارچوب برنامه اصلاحات اقتصادی بود که دولت بر مبنای برنامه بانک جهانی باید به آن عمل می‌کرد. این اتفاق تقریباً یک سال مانده به انتخابات ریاست‌جمهوری مصر رخ می‌دهد که «عبدالفتاح السیسی» امیدوار است برای دومین دور زمامداری‌اش در آن برنده شود. السیسی یک سال بعد از برکناری مرسی و خاتمه‌دادن به حاکمیت اخوانی‌ها بود که با حمایت گسترده مردمی به ریاست‌جمهوری رسید؛ اما حال مسائل مهمی مانند توافق تعیین مرزها با عربستان سعودی و دادن دو جزیره به این کشور، سخت‌گیری بر آزادی‌های مدنی و سیاسی و نیز مشکلات اقتصادی از محبوبیت او به‌شدت کاسته است. درباره افزایش بهای کالاها و سوخت و انرژی‌داری آن بر آینده السیسی، صاحب‌نظران دیدگاه‌های مختلفی دارند؛ برای مثال «حسن نافعه»، تحلیلگر سیاسی و استاد علوم سیاسی دانشگاه قاهره می‌گوید: «وقتی به انتظاراتی که منجر به روی‌کارآمدن السیسی شد نگاه و آنها را با الان مقایسه کنید، یک شکاف عمیق می‌بینید. به گمانم محبوبیت السیسی روزبه‌روز دارد از بین می‌رود، او اشتباهات بزرگی مرتکب شد که یکی از آخرین‌هایش همین افزایش بهای سوخت بود». «حسن سلامه»، استاد علوم سیاسی مرکز ملی تحقیقات اجتماعی و جنایی، می‌گوید: «این حالت تنش و تفرق، بیشتر دامن مقامات پایین‌دست را می‌گیرد و به السیسی نمی‌رسد. بالاترین آرزوی مصری‌ها این است که بتوانند این حکومت را با یک حکومت بهتر عوض کنند که از شفافیت و سلامت بیشتری برخوردار باشد». فقدان صدای اپوزیسیون در رسانه‌های رسمی موجب شده این رسانه‌ها فقط مجیزگوی دستاوردهای مثبت السیسی باشند و همین امر باعث شده آنها نتوانند افکار عمومی جامعه را اقناع کنند.

دعوت به اعتراض

طنز، هجو و ناراضی‌داری به بسیاری از کامنت‌های مصری‌ها در شبکه فیس‌بوک و توئیتر مشاهده می‌شود. یکی از آنها درباره گران‌شدن بهای بنزین می‌نویسد: «پمپ‌بنزین‌ها پر شده؛ ماشین‌ها را بگذار و برو پنج سال دیگر بیا تحویل بگیر!». دیگری برای مثال می‌نویسد: «شعار امروز ما این است: نبودن بنزین ما را از دیدار ششما محروم کرد!». «شعار امروز ما است که به‌تازگی السیسی از ملت مصر به‌دلیل اینکه تصمیمات سخت او در سخنانی به مناسبت تظاهرات ۳۰ ژوئن به مصری‌ها بدون اینکه اشاره‌ای به افزایش بهای سوخت داشته باشد، تبریک گفت. مصری‌ها که با میلیون‌ها نفرشان زیر خط فقر زندگی می‌کنند، از این کلیات دارند که با افزایش بهای سوخت دیگر به سختی می‌توانند قوت لامپونی پیدا کنند. قیمت یک پوند مصری در برابر ارزهای خارجی به نصف رسیده است. در مقابل میزان تورم سالانه ۳۲ درصد برآورد می‌شود؛ اتفاقی که در ۲۱ سال گذشته سابقه نداشته است. «محمد احمد» که یک کارگر موسمی است، از افزایش بهای کرابیه‌ها گلایه دارد و می‌گوید: «من چهار فرزند دارم، جواب آنها را چه بدهم. اجاجاق به ما حرام است». بعضی این روند را «مرگ تدریجی» برای خود توصیف می‌کنند. «حمد بن صباچی» که یک سیاست‌مدار ناصری است و در سال ۲۰۱۴ نتوانست با السیسی رقابت کند، در صفحه فیس‌بوک خود نوشت: «این دولت ضد ملت است؛ با بالا بردن قیمت‌ها ته‌مانده محبوبیتی را هم که داشت از دست داد. مردم در قیمت‌ها گرانی می‌سوزند و خدا به ملت ما صبر بدهد». در توجیه افزایش هجمه‌ها، دولت می‌گوید این افزایش موجب شد دولت بارانه‌های مواد نفتی را از بودجه سالانه‌اش حذف کند. «شریف اسماعیل»، نخست‌وزیر مصر، می‌گوید این کار «ضروری» و «جایگزین آن بدتر» بود.

سکوت طرفداران دولت

«طلعت السودی»، رئیس کمیته انرژی و محیط زیست مجلس نمایندگان مصر، می‌گوید وزیر نفت به مجلس نگفته بود این افزایش قیمت‌ها در چه حدی خواهد بود. السودی از دولت انتقاد می‌کند که چرا از قبل تدابیر حمایتی لازم برای فقر را در نظر نگرفته بود تا در برابر این گران‌فروشی تاجران و رانندگان تاکسی بتوانند دوام آورند. «یاسر قوره»، معاون رئیس حزب لیبرال «وفد» به روزنیر می‌گوید: «وضعیت اجتماعی اقتصادی اجازه نمی‌دهد این‌طور قیمت‌ها بالا برود. دولت به‌شدت به مردم فشار و طبقه متوسط جامعه فشار می‌آورد». «عبدالعزیز»، رئیس حزب «جمع ملی پیرو» که حزبی چپ‌گراست، درباره افزایش رفاه‌یابی اقتصادی کشور بعد از افزایش بهای سوخت هشدار می‌دهد؛ اما می‌گوید: «ما همچنان از السیسی حمایت می‌کنیم. زیرا باهم در یک جبهه نبرد علیه توریم هستیم. ما سعی می‌کنیم از دولت و یکپارچگی ملت پشتیبانی کنیم». منظور او از مبارزه با توریم روش‌ورایی‌های دولت السیسی به‌شأنظایمان بنیادگرا در شبه جزیره سینا در جوار غزه است.

اکثریت سرکوب‌شد

«عبدالعزیز الحسینی»، دبیر تشکیلاتی در جریان «الکرامه» که یک حزب ناسیونالیست است، می‌گوید: «لارافتن قیمت‌ها مردم را با مخاطرات شدیدی مواجه می‌کند. اینها نشانه‌های هولناکی برای آینده است و بیانگر آنکه یک اکثریت سرکوب‌شده در معرض انفجار قرار گرفته‌اند». «فادیه السید» ۵۵ساله که مادر چهار دختر است، به تلخی می‌گوید: «ما داریم روزبه‌روز می‌میریم. خیلی خراب شده است. اصلاً ما برای چه زنده‌ایم؟». «البدری فرغی» که یک عضو سابق پارلمان است با صدایی خشمگین و بلند پشت تلفن می‌گوید: «هم زمان اشتباهی بود و هم روش. این تصمیم متناسب با شرایط سیاسی کشور نیست و اکثریت مردم آن را نمی‌خواهند. با این وضع انسان قادر به ادامه حیات نیست». فرغی سال‌هاست که به‌عنوان رئیس اتحادیه گروه تلاش‌کنندگان برای افزایش سطح زندگی بانزشتگان فعالیت می‌کند، می‌گوید: در انقلاب ۳۰ ژوئن من یکی از طرفداران جدی السیسی بودم، اما امروزه دیگر نه دنبال سیاست هستم و نه از شیوه حکومت او حمایت می‌کنم. همه ما در آرزوی ثبات اقتصادی و سیاسی بودیم. اما اتفاقی که افتاد خیلی با آن فاصله دارد.

منبع: روزنیرز

یادداشت

تنها ۳ قدم تا تخت پادشاهی

«سامیون هندرسون»، کارشناس آمریکایی در مؤسسه واشنگتن و مدیر برنامه‌های کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و سیاست انرژی در ایسن مرکز و متخصص در امور عربستان‌سعودی، اعلام کرد محمد بن سلمان ۳۱ ساله با «سرعتی موشکی» به سمت تخت سلطنت پیش می‌رود. او می‌گوید: محمد بن سلمان باید سه گام مهم را پشت سر بگذارد تا به هدفش برسد، اما درحال‌حاضر می‌تواند یکی از این گام‌ها را با دیگری ادغام کند که در این صورت تنها دو گام باقی می‌ماند تا او بر تخت سلطنت بنشیند. چندی پیش روزنامه وال‌استریت‌ژورنال آمریکا نوشته بود، ملک سلمان عملاً فایلی ویدیویی را در هفته‌های اخیر ضبط کرده تا از طریق آن انتقال قدرت به فرزندش را اعلام کند، اما مسئولان عربستانی آن گزارش‌ها را رد و تأکید کردند که وضعیت جسمانی پادشاه عالی است. به باور این کارشناس آمریکایی، گام نخست عبارت از این است که پادشاه عربستان، پسرش، محمد بن سلمان را به‌جای پست کنونی‌اش؛ یعنی معاون نخست‌وزیر، به‌عنوان نخست‌وزیر تعیین کند. سلمان با این اقدام می‌تواند مسئولیت دستگاه جدید امنیت کشور عربستان را برعهده بگیرد که با ایجاد این دستگاه تمامی مأموریت‌های امنیتی اصلی از وزارت کشور گرفته شده و برعهده این دستگاه گذاشته می‌شود. گام دوم نیز این است که شاهزاده متعین بن عبدالله، فرمانده گارد ملی، برکنار شده و گارد ملی در چارچوب ارتش عربستان گنجانده شود که این‌ ارتش تحت نظر ولیعهد که وزیر دفاع عربستان نیز هست، قرار بگیرد. گام سوم نیز عبارت از این است که سلمان بن عبدالعزیز بنا به دلایل جسمی، به‌نفع پسرش از قدرت کنار بکشد که قانون هئیت بیعت در عربستان اجازه این کار را به وی می‌دهد. اما آنچه که باعث تقویت گام سوم می‌شود این است که ملک سلمان ۸۱ ساله در اکثر اوقات تشویش دارد و دچار حواس‌پرتی است که این مسئله باعث می‌شود موضوعات را برای میهمانش تکرار کند. وی به صفحه ماینرور احتیاج دارد تا نکاتی را که در دیدارش با میهمانش به بررسی آن می‌پردازد به وی یادآوری کند. هندرسون می‌افزاید: زمانی که ملک سلمان آخرین‌بار به واشنگتن سفر کرد، هیئت همراه او لوازم ویژه‌اش را آورده بودند تا اتاق هتل برای او مانوس به نظر برسد، اما این کارشناس آمریکایی نسبت به مخالفت‌های نهفته و پنهان در عربستان هشدار داد که احتمالاً باعث می‌شود محمد بن سلمان برای رسیدن به تاج و تخت کاملاً هموار نشده باشد. این کارشناس آمریکایی این مشکلات را به‌عنوان «موانع نهفته» توصیف کرد. نحوه مجبورکردن کاره‌گری از ولیعهدی به نظر می‌رسد که عمداً ازسوی حامیان بن نایف فاش شده است و پیش‌بینی‌ها حکایت از شدت مخالفت‌ها با محمد بن سلمان در داخل خاندان حاکم دارد.او بر این باور است، همچنین فاش شده است که سه شاهزاده در هیئت بیعت ۳۴ نفره با بیعت با محمد بن سلمان مخالفت کردند که این سه فرد، احمد بن عبدالعزیز، وزیر کشور پیشین و شاهزاده عبدالعزیز بن عبدالله، نماینده خاندان ملک عبدالله، پادشاه سابق عربستان و محمد بن سعد، معاون شاهزاده ریاض، هستند که این مسئله نشان می‌دهد این افراد نمایندگان جریان‌های مهم در خاندان حاکم عربستان هستند و ممکن است اهرم فشار و مانع بزرگی در مقابل رسیدن محمد بن سلمان به تاج و تخت ایجاد کنند.



گفت‌وگوی ناٹومی کلاین با جرمی کوربین

چشم‌انداز جهانی که می‌خواهیم

ترجمه: سودابه رخش

نماینده پارلمان بریتانیا، ثابت کرد طرف مردم ایستاده نه در کنار منافع نخبگان حاکم. از حزب کارگر تونی بلر با آن ماجراهای نظامی فاجعه‌بار عراق و خصوصی‌سازی گسترده تا حزب کارگر کوربین فاصله بسیار است. او موافق حضور پناه‌جویان است و مخالف جنگ و سیاست‌های اقتصادی ریاضتی که در سال‌های گذشته مردم سرتاسر جهان را تحت فشار قرار داده‌اند. او می‌گوید بیایید نیروی تغییر جهان باشیم؛ نیرویی که زیر بار فشارهای ناامنی جهانی نمی‌رود و نتیجه انتخابات زودهنگام بریتانیا هم ثابت کرد بسیاری از مردم همراهی کوربین‌اند. سه‌هفته بعد از انتخابات ماه ژوئن و پیروزی تاریخی حزب کارگر، ناٹومی کلاین، روزنامه‌نگار و منتقد برجسته کانادایی، در یکی از اتاق‌های پارلمان بریتانیا روبه‌روی جرمی کوربین نشست و با او درباره اهمیت برنامه پیشرو و جسورانه‌اش برای نبرد با نیروهای دست‌راستی به بحث نشست. با این‌همه اینکه کوربین نتواند در تحقق ایده‌ها و وعده‌هایش موفق باشد، همچنان محل تردید است.

به‌نظم تصویری که ما از ایالات‌متحده داریم بیش از حد با اظهارات روزمره دونالد ترامپ گره خورده، درحالی‌که واقعیت چیز دیگری است. فقط در کالیفرنیا تعداد مشاغل موجود در بخش انرژی‌های تجدیدپذیر به صدها هزار می‌رسد. نگاهی بیندازید به پیشرفت سیستم انرژی‌های تجدیدپذیر در سرتاسر ایالات‌متحده، به تعداد ایالات و شهرهایی که در حفاظت از محیط زیست خود و کنترل تغییرات اقلیمی جدی‌اند.

ا ما می‌خواهیم اندکی درباره احساس کنونی برخی از دوستانم در ایالات‌متحده صحبت کنم. کسانی که ملهم از مبارزات انتخاباتی و رهبری شما در حزب کارگرن، درحال حاضر مردم آمریکا کمی مایوس شده‌اند. آنها درودروی ترامپ قرار گرفته‌اند ولی درودروی حزب دموکرات هم ایستاده‌اند که در زمینه بیمه درمانی تک‌پرداختی و بیمه درمانی عمومی همگانی با مردم جنگی به راه انداخته‌اند. ظاهراً حزب دموکرات می‌خواهد طرحی را حفظ کند که آن را راهی مطمئن و اعتدالی می‌بندارد ولی بارهای بار دیده‌ایم که این راهی مطمئن نیست چراکه منتهی به شکست می‌شود. این طرح جواب‌گوی نیازهای ضروری مردم برای کسب شغل مناسب، آموزش عمومی رایگان و بیمه درمانی مقرون به صرفه نیست. چه صحبتی با هواداران سندرز دارید که اکنون واقعاً احساس ناامیدی می‌کنند؟

برنی روز بعد از انتخابات بریتانیا با من تماس گرفت. من خواب و بیدار مشغول تماشای برنامه‌ای تلویزیونی بودم. برنی برای تبریک تماس گرفته بود و گفت به ایده‌های مبارزاتی من علاقه‌مند بوده است. از من پرسید از کجا به این ایده‌ها رسیدی؟ و من گفتم، خب درواقع از تو.

درواقع به مردم می‌گویم: مایوس نباشید. در نهایت، انسان‌ها می‌خواهند کارها را با هم انجام دهند. آنها می‌خواهند کارها را به‌صورت جمعی انجام دهند و این آن قسم جامعه‌ای است که همه ما در تلاشیم خلق کنیم. ما در موقعیت سیاسی دشواری مبارزات انتخاباتی خود را آغاز کردیم و مانیفستی مطرح کردیم که رهیافتی جمعی داشت، در چیزی که می‌خواستس به پیش برد خاص بود. در مواردی مثل پایان‌دادن به هزینه‌های تحصیل در دانشگاه، افزایش حداقل درآمد و بیشترین افزایش رای، حزب‌مان را از زمان جنگ جهانی دوم به این‌سو کسب کردیم. ما حمایت و مشارکت شمار زیادی از مردم را به‌دست آوردیم. در انتخابات پیروز نشدید که ای‌کاش می‌شدیم؛ اما در مبارزات انتخاباتی، ما چارچوب بحث را درست به همان نحوی تغییر دادیم که به‌واسطه آن مداخله ساتور برنی سندرز در انتخابات نامزدهای حزب دموکرات شمار زیادی از مردم را بسج کرد.

ا ما شما رهبری حزب کارگر را از آن خود کردید. ولی مبارزات انتخاباتی سندرز دست‌آخر حتی درون حزب دموکراتیک هم موفق نبود. به‌نظرتان مردم نباید به مبارزه ادامه دهند تا روح حزب دموکرات را به دست گیرند؟

خب این روح مردم است، این‌طور نیست؟ من نمی‌توانم به مردم بگویم کدام سازمان خاص ایالات‌متحده را باید داشته باشند یا نداشته باشند، چون نظام حزب در ایالات‌متحده خیلی متفاوت است. کاری که ما کردیم تغییر چارچوب بحث بود، اما نکته کلیدی دیگر روش مبارزات انتخاباتی است که هم در آمریکا و هم در اروپا نتیجه‌بخش است. شما قدم اول را برمی‌دارید و رای‌دهندگان را شناسایی می‌کنید. این نکته مهم و حیاتی است. اما اگر فقط از چشم رسانه‌ها به قضیه بنگرید که عموماً دیدگاه‌هایی راست‌گرایانه و محافظه‌کارانه دارند، تنها چیزی که در قدم اول دستگیرتان می‌شود انعکاس صدایی است که مردم از شبکه‌های تلویزیونی و رسانه‌های مکتوب دست‌راستی شنیده‌اند. رسانه‌های اجتماعی و تکنولوژی و تکنیک‌هایی که به واسطه رسانه‌های اجتماعی وجود دارند، فرصت بیان پیام‌تان را به سراسر دنیا فراهم می‌کند؛ فرصتی که تا پیش از این هرگز در کار نبود. تصور کن، مردمی که در دهه ۱۹۲۰ برای عدالت اجتماعی در شبکه‌گو مبارزه می‌کردند در بهترین حالت می‌توانستند روزنامه خودشان را منتشر کنند تازه اگر از پس هزینه‌هایش برمی‌آمدند، یا اعلامیه‌ای می‌نوشتند و آن را برمی‌داشتند و در صف نانوائی پخش می‌کردند.

ادامه در صفحه ۱۲

من به‌هیچ‌وجه وحشت این رویدادها را کم‌اهمیت جلوه نمی‌دهم یا کارهای هولناکی را که برخی افراد انجام دادند؛ اما گفتم باید به آن دست زمینه‌های بین‌المللی بنگریم که چنین رویدادهایی در دل آن رشد کرده‌اند و انکار همین دیروز بود که در ۱۵ فوریه ۲۰۰۳ می‌گفتم «اگر وارد جنگ عراق شویم بدترین سناریوی ممکن چه می‌تواند باشد؟». من از صدام‌حسین دفاع نمی‌کردم. فقط می‌گفتم اگر به عراق حمله و کل کشور را بی‌ثبات کنید، پیامدهایی خواهد داشت.

ا فکر می‌کنم درحال حاضر مهم است آمریکایی‌ها بفهمند شما توانستید چنین حرفی بزنید و مردم آن را تکرار کردند چون درستی آن را درک کردند. چون ما نمی‌دانیم قرار است تحت زمامداری ترامپ چه اتفاقی بیفتد. اما به‌خوبی می‌دانیم که ترامپ کاملاً قصد دارد از هرگونه بحران برای پیشبرد دستورکار واپس‌گرایانه بیگانه‌هراسی بهره ببرد. او تلاش کرد با سوءاستفاده از حملات منچستر بگوید این موضوع به‌خاطر موج پناه‌جویانی است که از مرزهای ما می‌گذرند. او تلاش کرد با بهره‌بردن از حمله به پل لندن بگوید این دلیل لزوم ممنوعیت ورود مسلمانان است.

او به شهردار لندن هم حمله کرد؛ اولین مسلمانی که برای اداره امور شهری در کشورهای اروپای غربی انتخاب شده است. مردم شدیداً از او به خاطر لحنش علیه صادق خان خشمگین شدند، چراکه هرچه نباشد او شهردار منتخب شهر است.

ا به مردم می‌گویم: مایوس نباشید. در نهایت، انسان‌ها می‌خواهند کارها را با هم انجام دهند. آنها می‌خواهند کارها را به‌صورت جمعی انجام دهند و این آن قسم جامعه‌ای است که همه ما در تلاشیم خلق کنیم. ما در موقعیت سیاسی دشواری مبارزات انتخاباتی خود را آغاز کردیم و مانیفستی مطرح کردیم که رهیافتی جمعی داشت، در چیزی که می‌خواستس به پیش برد خاص بود

ا خب، برای برخی از رهبران جهان که فکر می‌کنند فقط تا حدودی می‌توانند مقابل ترامپ بایستند، چه حرفی دارید؟ می‌دانید مثلاً حرف شبک‌ویبکی در مخالفت با ترامپ می‌زنند اما درنهایت با آغوش باز او را می‌پذیرند. فکر می‌کنید درحال حاضر موضع مابقی رهبران جهان که ادعای دفاع از ارزش‌های مترقی را دارند، چه باید باشد؟ خب، به نظر باید با ترامپ دیدار کنند و با او به بحث بنشینند، همان‌طور که با هر رهبری چنین می‌کنند. من از لحن او در طول مبارزات انتخاباتی‌اش حیرت کردم؛ از حرف‌هایش درباره زنان، مسلمانان، مکزیکی‌ها و دیگر مردم جامعه. از اظهارات او درباره مباحث مربوط به توافق آب‌وهوایی پاریس هم وحشت کردم. اینها مسائل بسیار جدی جهانی هستند. قرار است چه نوع جهانی را در آینده به جا بگذاریم؟ چه بلایی بر سر این سیاره می‌آوریم؟ ظاهراً او این را فرصتی می‌دید برای پیش‌بردن صنایع آلوده.

ا درواقع او گفت می‌خواهد برای رسیدن به یک معامله بهتر مذاکره کند.

خب، من نمی‌دانم منظور او از معامله بهتر چیست و این می‌تواند بحث جذابی باشد. ولی بعد از ساعت‌ها بحث‌ونظر درباره تغییرات آب‌وهوایی دست‌آخر هند و چین، در عرصه رسمی، با این ایده کنار آمدند که برای انتشار گازهای گلخانه‌ای و آلودگی محدودیتی وجود دارد. خیلی غم‌انگیز است که ایالات‌متحده در زمان اوباما در این زمینه مشارکت کرد، اما در زمان ترامپ از آن دست کشید.

ا اما من فکر می‌کنم به دلیل سرکشی ایالات متحده در مسئله تغییرات آب‌وهوایی، قطعاً هر فردی مسئولیت دارد درحال حاضر کارهای بیشتری بکند و ما شاهد نمونه‌هایی از مسئولیت‌پذیری هستیم. ازجمله در ایالات متحده، ما شهرهایی را می‌بینیم که یک گام به جلو برداشته‌اند و می‌گویند ما می‌خواهیم گذارمان را به انرژی‌های تجدیدپذیر سرعت ببخشیم. در سطح بین‌الملل هم شاهد چنین چیزی هستیم.

ا این هفته حضور در بریتانیا و تماشای این فضای سیاسی که تو را هش را باز کرده‌ای فوق‌العاده بود، حالا ما شاهد تلاش‌های محافظه‌کاران برای فرزند برخی سیاست‌های شما و دست‌و‌پازدن برای جذب جوانان با راه‌انداختن بحثی هستیم درباره احتمال خلاص‌شدن از هزینه‌های

خب، عدالت اجتماعی کپی‌رایت ندارد ولی فقط به مسائل فردی خلاصه نمی‌شود و شامل موضوعات بیشتری است.

ا می‌خواهم درباره این لحظه فوق‌العاده حرف بزنیم که در آن پروژه‌ای که در زمان تاجر در این کشور و ریگان در ایالات‌متحده، آغاز شد فرو می‌پاشد. این پروژه عبارت بود از کل آن به‌اصطلاح اجتماعی که هرگز به‌راستی اجماع نبود، جنگ علیه فعالیت‌های جمعی مردم، علیه این ایده که اگر با هم باشیم کارهای خوبی انجام می‌دهیم. ولی در ضمن این لحظه خطرناکی هم هست، چون با یک خلا ایدئولوژیک روبه‌رویم و ایده‌های خطرناک هم رو به افزایش‌اند. چه تضمینی وجود دارد که این خلا سر

بازگردد را ایده‌های مترقی و امیدوارکننده بر کنند، یا چه طرح و برنامه‌ای؟ ما دو سال بسیار جذاب را پشت سر گذاشتیم. انتخابات رهبری حزب کارگر دو بار برگزار شد که جمعیت بسیار زیادی را بسج کرد. این به‌خاطر من نیست، به‌خاطر یک آرمان است، به‌خاطر مردم. بعد از آن ما مبارزات انتخابات عمومی را به پایان رساندیم که آن را با موقعیت سیاسی بسیار دشواری آغاز کردیم اما دست‌آخر سه میلیون رای بیشتر از سال ۲۰۱۵ به‌دست آوردیم که بالاترین میزان رای حزب کارگر در انگلیس پس از چندین دهه بود این کامیابی بزرگی برای حزب کارگر بود اما متأسفانه به اندازه‌ای نبود که اکثریت پارلمانی را از آن ما کند و خب در موقعیت کنونی، ما شاهد افزایش زیاد اعتمادبه‌نفس در میان کسانی هستیم که در راه پایان‌دادن به بهره‌جویی از دستمزدها در بخش دولتی و سرمایه‌گذاری در خدمات عمومی می‌کوشیدند و در کنارش عدم اطمینان بسیار در میان راست‌ها و محافظه‌کاران.

ا به نظر مبارزات انتخاباتی شما ثابت کرد وقتی ایده‌ها را پیش می‌برید، وقتی چشم‌اندازی برجسته از جهانی را مطرح می‌کنید که واقعاً می‌خواهیم – نه فقط مخالفان با ریاضت، نه فقط «نکته‌ن»، بلکه تصویری از جهانی که می‌تواند بسیار بهتر از آنچه هست باشد – آن وقت است که مردم به و جد می‌آیند.

درواقع قوی‌ترین پیام انتخاباتی ما همین بود و من این را در بسیاری از گردهمایی‌هایی که برگزار کردیم، مطرح کردم: «به جمعیت نگاه کنید. به همدیگر نگاه کنید. شما پیشینه، زبان و جوامع قومی متفاوتی دارید ولی همگی متحدید. همگی در آنچه به‌طور جمعی در جامعه می‌خواهید با هم متحدید و فکر می‌کنم مبارزات انتخاباتی نقطه عطفی بود در فاصله‌گرفتن از فردگرایی محض راست‌ها و رفتن به سمت این ایده که وقتی اتفاق نظر داشته باشید جامعه بهتری خواهید داشت.

ا فکر می‌کنید دنیا بعد از پیروزی ما چه شکلی خواهد بود؟ این نکته چقدر اهمیت دارد؟

خیلی مهم است که چه تصویری از دنیا داشته باشیم. اینکه برای مقابله با مسائلی مثل بی‌عدالتی، نابرابری و فقر و مهم‌تر از همه، امید و فرصت‌یابی برای جوانان چه می‌کنیم، امید به اینکه آنها بتوانند به کالج یا دانشگاه بروند و فرصت اینکه شغل شایسته‌ای کسب کنند. به مشارکت و روابط ما با بقیه جهان هم ربط دارد.

من خواستار سیاست خارجی‌ای علل موج پناهندگی و علل بی‌عدالتی در سراسر جهان و در این زمینه داریم پیشرفت می‌کنیم. راستش، در طول مبارزات انتخاباتی رویدادهای هولناکی رخ داد. قبل از آغاز انتخابات به پل وست‌مینستر و پارلمان حمله شد. بعد از آن بمب‌گذاری رعب‌آور در منچستر و بعد هم حمله به پل لندن.

ا شما نوعی سنت شکنی سیاسی کردید چراکه درباره برخی از علل ریشه‌ای این اتفاق‌ها صحبت کردید. بااین حال حرف‌های شما در میان مردم پیچید.